

لحظه ی آخر
از: عباس احمدی

در آن هنگام که لحظه ی آخر فرا رسد
برای من دسته گلی بیاور و یا لبخندی.
چرا که همه ی ترس من از آن ست که
مرا به لبخندی حتی، مجال ندهند.



در آن هنگام که لحظه آخر فرا رسد
برای من پنجره ای بیاور و یا بوسه ای.
چرا که همه ی ترس من از آن ست که
مرا به بوسه ای حتی، مجال ندهند.



در آن هنگام که لحظه ی آخر فرا رسد
برای من سرودی بیاور و یا ترانه ای.
چرا که همه ی ترس من از آن ست که
مرا به ترانه ای حتی، مجال ندهند.



در آن هنگام که لحظه ی آخر فرا رسد
مرا با لبخند تو از مرگ هراسی نیست
مرا با بوسه ی تو از مرگ هراسی نیست
مرا با ترانه ی تو از مرگ هراسی نیست